

هنر و زیبایی در سیره پیشوایان

<?xml encoding="UTF-8">

معنی هنر

هنر به معنی زیبایی شناسی و زیبایی آفرینی است، که شامل هر نوع فن و پیشه زیبا و جالب در عرصه های گوناگون می شود. هنرمند کسی است که با شناختن زیبایی ها، در پرتو علم و عقل بتواند از آنها بهره گیرد، و عامل خلاقیت و سازندگی و رشد و تعالی خود و دیگران گردد. به عنوان مثال اگر بانویی با شناخت زیبایی ها و عوامل پیدایش آنها درمورد تربیت کودک از آغاز انعقاد نطفه- بلکه قبل از آن- تا هنگام تولد و بعد از آن، و سپس رعایت دقیق آنها، همت کند، می تواند از نظر صورت و سیرت فرزندی زیبا پدید آورد، و همین هنر مهم اجتماعی است که می تواند سرچشمه آثار و نتایج درخشان گردد، و محتوای شعر فردوسی را تحقق بخشد که گفت:

زنان را همین بس بود يك هنر نشینند و زایند شیران نر

و مانند حضرت زینب (سلام الله علیها) در حضور ابن زیاد، ماجرای شهادت و سختی های کربلا را، جمیل و زیبا خواند و فرمود: «ما رأیت الا جمیلاً؛

جز زیبایی ندیدم» (1)

و شاید حضرت امام خمینی (قدس سره) این سخن معروف خود را از این گفتار زینب (سلام الله علیها) اقتباس کرده که گفت: «شهادت هنر مردان خدا است» یعنی شهادت يك نوع زیور و زیبایی برای انسان ها است. و به طور کلی پدیده های خلقت، زیبایی و زیبایی آفرینی است، و نشان دهنده هنرهای خیره کننده و گوناگون است که ذات پاک خدا در جهان هستی پدیدار ساخته است، به عنوان مثال در میان حشرات، زنبور عسل را در نظر بگیرید که با زیبایی شناسی و زیبایی آفرینی غریزی و حرکات ظریف خود، شکوفه ها و گل های خوشبو را می شناسد، و از آنها می خورد، و با تلاش های آگاهانه و هوشیارانه و خستگی ناپذیرش، ده ها و صدها و گاهی هزارها کیلومتر راه می پیماید، و در نتیجه عسل تهیه می کند که در میان غذاها شیرین ترین و پرمحتواترین غذاها است که قرآن از این هنر الهی چنین یاد می کند: «و پروردگار تو به زنبور عسل وحی (و الهام غریزی) نمود که از کوه ها و درختان و داربست ها که مردم می سازند، خانه هایی برگزین، سپس از تمام ثمرات (و شیر گل ها) بخور، و راه هایی را که پروردگارت برای تو تعیین کرده است، به راحتی بپیما، و از درون شکم آنها نوشیدنی با رنگ های مختلف خارج می شود که در آن شفا برای مردم است.» (نحل/68)

این يك نمونه از هنر جهان طبیعت از میلیاردها نمونه های دیگر است، باید بادقت و تفکر درمورد آن، برهنر خود افزود، هنرها را شناخت، و هنر آفرینی کرد، چنان که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در این راستا می فرماید:

«المؤمن كالنحلة تأكل طیباً و تضع طیباً؛ مؤمن مانند زنبور عسل است که چیز پاک (شیره گل) می خورد، و چیز پاک (عسل) تحویل می دهد.» (2)

توضیح بیشتر این که: روان شناسان می گویند: روح و روان انسان از چهار بعد تشکیل شده که عبارتند از: حس مذهبی، حس نیکی، حس دانایی و حس زیبایی. آنها معتقدند که تمام زیبایی های ادبی، شعری، صنایع ظریف، و هنر به معنی واقعی از حس زیبایی نشأت گرفته، و از آثار این حس است، و سراسر جهان را به زیبایی ها فرا

گرفته، و همه آن‌ها نشانه هنر دوستی خدا، و هنر آفرینی او است. پس ما که جزئی از جهان آفرینش هستیم، نمی‌توانیم از هنر فاصله بگیریم. بنابراین هنر دوستی و زیبایی طلبی از امور فطری، و برخاسته از سرشت انسان است، که باید آن را شکوفا و بارور نمود، و به وسیله هنر به آفرینش زیبایی‌ها در ابعاد گوناگون پرداخت.

هنر متعهد و سازنده، و هنر صوری ویرانگر

در اینجا آنچه که مهم است این است که هنر در خدمت انسان باشد، و چنین هنری همان هنر متعهد و هنر مورد امضای اسلام ناب است، ولی با کمال تأسف امروز در جهان از نام هنر، به جای سازندگی، در راه ویران‌گری استفاده می‌شود، و با تحریف و به انحراف کشاندن زیبایی‌ها، بزرگترین ضربه‌ها بر انسانیت وارد می‌گردد، به عنوان مثال با استفاده از زیبایی‌های زنان تحت عنوان هنر پیشه، به فساد و انحراف دامن می‌زنند، و موجب بی‌محتوایی و پوچی زندگی جوانان شده، و آنها را از هنر حقیقی و سازنده باز می‌دارند، اینجا است که باید مرزها را شناخت، و هنر صوری را از هنر واقعی جدا نمود، و پس از شناخت هنر خلاق، آن را وسیله و نردبان رشد و ترقی قرار داد. تا نکبت در جای نعمت، و زشتی در مکان زیبایی قرار نگیرد. به عبارت روشن‌تر هنر مانند زبان است، که اگر به حق حرکت کند سازنده است، وگرنه مخرب و فتنه‌انگیز خواهد شد، و از سخن گفتن زبان به خوبی می‌توان به عیب و هنر صاحب زبان، پی برد.

اگر حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «کونوا فی الناس کالنحلة؛ همانند زنبور عسل باشید.» (3) یعنی از هنر این‌گونه بهره بگیرید و با تلاش‌های خستگی‌ناپذیر و آگاهانه، هنر را در خدمت جامعه و مردم در عرصه‌های گوناگون قرار دهید.

هنر و زیبایی از دیدگاه قرآن

قرآن در آیات متعدد، ما را به استفاده سالم و بهینه از هنرها و زیبایی‌ها فراخوانده در يك جا می‌فرماید: «بگو چه کسی زینت‌های الهی را که برای بندگان خود آفریده، و روزی‌های پاکیزه را حرام کرده است؟ بگو این‌ها در زندگی دنیا برای کسانی است که ایمان آورده‌اند.» (اعراف/32)

این زینت همان جلوه‌های مختلف هنر و زیبایی در لباس و غذا و سایر شؤون زندگی است که مؤمنان از آن بهره‌صالح می‌برند، ولی کافران و منحرفان آن را در راه تباهی‌ها به کار می‌اندازند.

و در آیه دیگر می‌فرماید:

«ما آن‌چه را روی زمین است زینت آن قرار دادیم، تا انسان‌ها را بیازماییم که کدامینشان بهتر عمل می‌کنند؟» (کهف/7)

نتیجه این که هنرها و زیبایی‌ها نعمت بزرگ الهی برای امتحان بشر در اختیار او قرار داده شده، تا آن‌که زیباتر از آنها بهره‌می‌برد، شناخته شود، و هنر مقدمه و مرکب راهوار برای وصول به مقصود و اهداف شود.

و به طور کلی نه تنها استفاده از نعمت‌های الهی جایز و رواست، بلکه واجب و لازم است، و باید آن را آشکار ساخت. چنان که پیامبر (صلي الله عليه و آله وسلم) فرمود:

«هنگامی که خداوند نعمتی را به بنده‌ای می‌بخشد، دوست دارد آثار آن نعمت را از او آشکارا بنگرد.» (4)

نیز فرمود: «هر کس خیری به او رسد، ولی آثارش از او دیده نشود، دشمن خدا و مخالف نعمت‌های او و منکر آن نعمت‌ها به شمار می‌آید.» (5)

و حضرت علی (علیه السلام) فرمود:

«خداوند زیبایی ها را دوست دارد، و نیز دوست دارد که آثار و نشانه های زیبایی ها را از بنده اش آشکارا بنگرد.» (6)

پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) و امامان (علیهم السلام) از قرآن این گونه استفاده می کردند، مثلاً امام مجتبی (علیه السلام) زیباترین لباس های خود را هنگام رفتن به مسجد می پوشید، و از برترین عطرهای خوشبو استفاده می کرد، و با آراستگی چشمگیر در میان مردم می آمد، روزی یکی از زاهدانها از او پرسید: «ای پسر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) چرا زیباترین لباس خود را در نماز می پوشید؟» آن حضرت در پاسخ فرمود: «ان الله جميل يحب الجمال، فاتحمل لربي و يقول خذوا زينتكم عند كل مسجد؛ خداوند زیبا است و زیبایی را دوست دارد، و به همین جهت من برای راز و نیاز با خدا لباس زیبا می پوشم، چرا که خداوند (در قرآن آیه 31 اعراف) می فرماید: زینت خود را هنگام رفتن به مسجد بپوشید.» (7)

قرآن در مورد دیگر می فرماید: «و لباست را پاکیزه کن.» (مدثر/4)

تفسیر این آیه روایت شده: در عصر جاهلیت بین مردم معمول بود که دامن لباس هایشان را بسیار بلند می کردند، به طوری که بر روی زمین کشیده می شد و آلوده می شد آیه فوق که در حقیقت خطاب به مردم است در این راستا نازل شد، و تبیین کرد که بلندی دامن لباس نشانه شخصیت نیست، بلکه موجب ناپاکی و نازیبایی می شود، بلکه پاکیزگی و زیبایی لباس نشانه تربیت و فرهنگ بالنده انسان از نظر اسلام است.

نیز قرآن در ضمن شمردن هدف های پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرماید: «او پاکیزه ها را برای مردم حلال می شمرد، و ناپاکی ها را برای مردم حرام می نماید.» (اعراف/17) بنابراین پاکی و آراستگی، و استفاده بهینه از زیبایی ها از برنامه های اصلی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در زندگی شخصی خود، و در آموزه های مکتبی اش بود، و آنان به هر اندازه از آراستگی و زیبایی دوری کنند، به همان اندازه از مکتب انسان ساز اسلام و قرآن دوری کرده اند.

چند نمونه از روش پیشوایان

در گفتار و رفتار پیشوایان به آنچه که موجب پاکیزگی و آراستگی است دستور داده شده و از آنچه که باعث زشتی و ناپاکی می شود نهی شده است، به عنوان مثال؛ به مسواک، و زدودن موهای زائد بدن؛ و استفاده از عطریات، و گرفتن ناخن، و کوتاه کردن موی شارب و... دستور داده شده است. از سخنان رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) است: «بئس العبد القاذور؛ بنده کثیف، بنده بد و زشتی است.» (8) و نیز فرمود: «دوستم جبرئیل به من گفت: يك روز در میان، خود را با عطر خوشبو کن، و در روز جمعه حتماً از عطر بهره بگیر، و آن را ترك نکن.» (9)

حضرت علی (علیه السلام) فرمود:

«مسواک دندان ها موجب پاکیزگی دهان، و خوشنودی پروردگار است.» (10)

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:

«ان من السنه ان تأخذ من الشارب حتی يبلغ الاطار؛

از سنت اسلام است که سبیل خود را کوتاه کنی به طوری که به لب بالا برسد و لب بالا آشکار گردد.» (11)

در اینجا نظر شما را به چند نمونه از رفتار پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و امامان (علیهم السلام) جلب می کنیم:

- 1- امام صادق (علیه السلام) فرمود: «رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آن چه را که برای مصرف عطر و بوهای خوش خرج می کرد، بیشتر از آن بود که برای غذا مصرف می نمود.» (12)
- 2- روزی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) دندان چند نفر از مسلمانان را دید که زرد شده بود، به آن ها فرمود: «مالی اراکم قلحاً مالکم لاتستاکون؟؛ چرا دندان های شما را زرد و کثیف می نگرم؟ چرا مسواک نمی زنید؟» (13)
- 3- يك روز پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) دو عدد لباس نزد همسرش عایشه آورد و فرمود: «این دو جامه را بشوی، آیا نمی دانی که لباس تسبیح خدا می گوید، و هرگاه چرکین شد تسبیح آن قطع می گردد.» (14)
- 4- مردی به محضر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد، آن حضرت مقداری موی سفید در ریش او دید، فرمود:

این نوری است که نشان می دهد جوانی خود را در راه اسلام پیر نموده است. آن مرد رفت و موی صورتش را حنا کرد و نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) وقتی که او را آراسته دید، فرمود: این رنگ نشانه نور و اسلام است. او رفت و این بار محاسنش را با رنگ مشکی سیاه کرد و نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به او فرمود: «نور و اسلام و ایمان و محبه الی نساءکم، و رهبه فی قلوب عدوکم، این رنگ، نشانه نور و اسلام و ایمان بوده و مایه جلب محبت زنان و القای ترس در دل های دشمنانتان می باشد.» (15)
- 5- از روش های پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) این که به فرموده امام باقر (علیه السلام) «آن حضرت به همه بانوان اعم از شوهردار و بی شوهر دستور می دهد که موهای سر خود را خضاب کنند، زنان شوهردار از این رو که در نزد شوهرانشان آراسته گردند، و زنان بی شوهر برای این که دستشان همچون دست های مردان نباشد.» (16)
- جالب این که آن حضرت به علی (علیه السلام) فرمود: مصرف يك درهم برای رنگ کردن موی سر و صورت، بهتر از مصرف هزار درهم در امور دیگر در راه خدا است، خضاب چهارده فایده دارد:
 - 1- باد را از گوش برطرف می کند.
 - 2- به چشم درخشندگی می دهد.
 - 3- بینی را نرم می نماید.
 - 4- دهان را خوشبو می سازد.
 - 5- لثه را محکم می کند.
 - 6- بیماری و کسالت را رفع می نماید.
 - 7- وسوسه شیطان را کم می کند.
 - 8- فرشتگان را شاد می کند.
 - 9- مؤمن را شادمان می سازد.
 - 10- کافر را خشمگین می کند.
 - 11- مایه آراستگی است.
 - 12- موجب خوش سیمایی است.
 - 13- دو فرشته نکیر و منکر را (در عذاب کردن او) شرمنده می سازد.
 - 14- موجب نجات از عذاب قبر می شود. (17)

6- امام صادق (علیه السلام) فرمود: «روزي یکی از مسلمانان به محضر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد، در حالی که ریشش را با رنگ زرد خضاب کرده بود، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: این چقدر زیبا است. او رفت و پس از چند روز نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد در حالی که محاسنش را با حنا رنگ نموده بود، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) لبخندی نمود و فرمود: این رنگ بهتر از آن رنگ قبل است. او رفت و بعد از مدتی آمد در حالی که محاسنش را با رنگ مشکي، سیاه نموده بود، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) خندید و فرمود: این رنگ، از رنگ قبل، و رنگ پیش از آن زیباتر است.» (18)

7- ابو ایوب انصاری میزبان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در مدینه می گوید: شبی برای پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) غذایی آمیخته به سیر و پیاز بردم، آن حضرت از آن غذا نخورد، به آن حضرت عرض کردم: چرا از غذا نخوردی، تا از نیم خورده شما تبرک بجوییم؟ در پاسخ فرمود: «غذای امروز سیر داشت، و چون من در اجتماع شرکت می کنم، و مردم از نزدیک با من تماس می گیرند، از خوردن آن خودداری کردم.» از آن پس چنین غذایی را برای پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آماده نکردیم. (19)

8- حضرت زهرا (سلام الله علیها) به قدری به عطر و خوشبویی و پاکیزگی اهمیت می داد که در لحظات سخت آخر عمر، به اسماء بنت عمیس فرمود:

«عطر و لباس پاکیزه و مخصوص نماز مرا بیاور، می خواهم نماز بخوانم. من آنها را آوردم، آن حضرت از آن عطر بهره جست و با آن لباس پاکیزه نماز خواند.» (20)

9- روزی سفیان ثوری (که زاهد نمای عصر امام صادق (علیه السلام) بود) در کنار کعبه امام صادق (علیه السلام) را دید که بسیار آراسته و دارای لباس زیبا و نسبتاً ارزشمند است، به عنوان اعتراض به آن حضرت گفت: پدران و اجدادت و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و علی (علیه السلام) چنین لباسی نمی پوشیدند، شما چرا پوشیده ای؟ آن حضرت در پاسخ فرمود:

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در عصری می زیست که نوع مردم فقیر بودند (و بر او لازم بود که همسانی با آحاد مردم را رعایت کند) ولی امروز اوضاع اقتصادی مردم خوب شده است، و افراد شایسته به پوشیدن لباس های آراسته و زیبا سزاوارتر هستند، آنگاه این آیه را خواند:

«قل من حرم زینه الله...» (که قبلاً ذکر شد) سپس آن حضرت لباس زیرین خود را به سفیان نشان داد و فرمود: این لباس زیرین را که موئین و خشن است، برای رام کردن نفس خود می پوشم، و این لباس روئین زیبا را برای مردم و جامعه. آنگاه امام لباس سفیان را گرفت، و فرمود: ولی لباس زیرین تو نرم است، و لباس روئین تو زبر و خشن است، لباس روئین را برای خودنمایی در برابر مردم می پوشی، ولی برای آرامش تن خود لباس نرم را در زیر می پوشی این است فرق بین من و تو. سفیان از این پاسخ درمانده شد و چیزی نگفت. (21)

10- امام صادق (علیه السلام) به قدری از عطریات بهره می جست که هرگاه کسی وارد مسجد می شد و او را نمی دید، از محلی که بوی عطر از آن به مشام می رسید می فهمید که آن حضرت در همان محل نشسته بوده است، زیرا محل سجده او همواره خوشبو بود. (22)

11- حسن بن علی بن مهران می گوید: به محضر امام کاظم (علیه السلام) رفتم دیدم انگشتر فیروزه در دست دارد، با دقت به آن نگاه می کردم فرمود: «چرا این گونه به انگشتر چشم دوخته ای؟» عرض کردم: به من خبر رسیده که علی (علیه السلام) چنین انگشتری داشت فرمود: آری، این انگشتر همان است... (23)

12- حسن بن جهم می گوید به حضور امام کاظم (علیه السلام) رفتم دیدم محاسنش را با رنگ مشکی رنگین و آراسته نموده، از علت آن پرسیدم. فرمود:
 خضاب و آراستگی موجب افزایش حفظ عفت همسران می گردد، زنانی بودند و هستند که کارشان بر اثر ژولیدگی شوهرانشان، به فساد و بی عفتی کشیده شد. (24)
 نتیجه این که پیشوایان الهی بیشترین استفاده را از زیبایی ها نموده، و با کمال آراستگی به میان مردم می آمدند، و پاکیزگی و زیبایی را جزء دین و برنامه اصلی زندگی می دانستند و به آن عمل می کردند.

پی نوشت ها

1- مثیرالاحزان، ص. 90

2- علامه مجلسی، بحار، ج 64، ص. 238

3- همان، ص. 239

4- نهج الفصاحه، حدیث. 683

5- تفسیر قرطبی، ج 10، ص 7192، فروع کافی، ج 6، ص. 438

6- فروع کافی، ج 6، ص. 438

7- تفسیر نورالثقلین، ج 2، ص. 19

8- فروع کافی، ج 6، ص. 439

9- همان، ص. 511

10- همان، ص. 495

11- فروع کافی، ج 6، ص. 487

12- همان، ص. 512

13- همان، ص. 496

14- میزان الحکمه، ج 10، ص. 94

15- بحار، ج 76، ص. 100

16- همان، ص. 102

17 و 18- همان، ص. 99

19- سیره ابن هشام، ج 2، ص. 144

20- بحار، ج 43، ص. 185

21- فروع کافی، ج 6، ص. 442

22- همان، ص. 511

23- همان، ص. 472

24- بحار، ج 76، ص. 100